

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

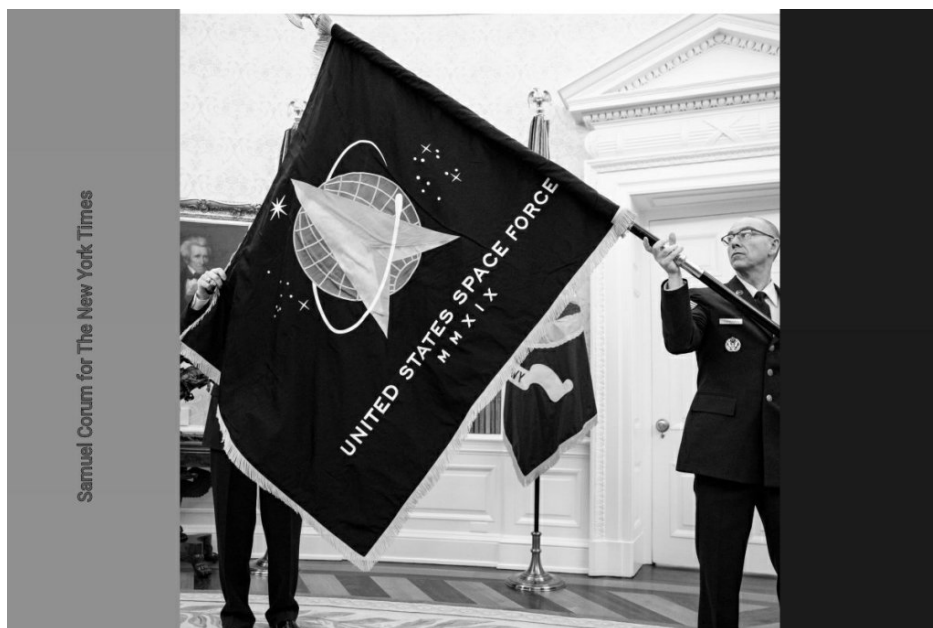
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تهیه و تنظیم: فرشید واحدیان
۰۶ جولای ۲۰۲۱

طرح‌های ایالات متحده در نظامی کردن فضاء و تشدید مسابقه تسلیحاتی



در سال‌های اخیر با ادامه سیاست‌های نئولیبرالیستی در ایالات متحده، روز به روز شاهد حضور بیشتر بخش خصوصی در بسیاری از شاخه‌های صنایع نظامی و فضایی هستیم، که از دیرباز به دلیل حفظ امنیت ملی تنها در انحصار آن دولت بود. به علاوه هر ساله افزایش هرچه بیشتر سهم بودجه نظامی در بودجه کل کشور را نیز شاهدیم. هدف اصلی افزایش عظیم بودجه نظامی، استمرار تسلط جهانی امریکا و حفظ شمشیر داموکلس بر بالای سر رقبای جهانی آن کشور است. مقایسه‌ای ساده میان بودجه نظامی ایالات متحده نسبت به بودجه نظامی دیگر کشورها در سال ۲۰۲۰، این گرایش را به خوبی نشان می‌دهد. سهم بودجه نظامی امریکا ۳۵ درصد، مجموعه ناتو ۵۰ درصد، چین ۱۲-۱۳ درصد و روسیه ۴ درصد از کل هزینه‌های نظامی جهان بوده است.

مقاله زیر که به تحلیل طرح‌های نظامی موجود و آتی ایالات متحده در فضا می‌پردازد، با استفاده از نوشته‌ها و سخنرانی‌های بروس گگنون و کارل گروسمن^۱، تهیه شده است. هر دوی این‌ها از کهنه سربازانی هستند که برای سال‌ها در راه تحدید سلاح‌های کشتار جمعی و نظامی‌سازی فضا، مبارزه کرده‌اند.

در گذشته، توجیه ایالات متحده برای گسترش «سلاح‌های فضایی»، تأکید بر جنبه دفاعی این سلاح‌ها در مقابل حمله دشمن احتمالی بود. اما با اعلام تأسیس «نیروی نظامی ارتش آمریکا در فضا» در ۱۵ ماه مه ۲۰۲۰، توسط دونالد ترامپ، این رویه تغییر کرد. در این روز رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده اعلام نمود که: «فضا در آینده... محل دفاع و حمله خواهد بود» (تأکید از نویسنده). او هم چنین اضافه کرد: «تنها حضور ما در فضا کافی نیست، آمریکا باید بر فضا مسلط باشد. فضا صحنه کارزار جدید ماست که باید در آن حرف اول را بزنیم...». روی یونیفورم این نیروی جدید شعار «سرو فضا» حک شده که شباهت زیادی به شعار نازی‌ها یعنی «المان بالاتر از همه»^۲ دارد.

توجیه برای تأسیس این نیرو از قول ترامپ، تحرکات چین و روسیه در نظامی‌سازی فضا ست. اما در واقع تجاوزگر اصلی در این زمینه ایالات متحده است.

هزینه نیروی جدید و محل تأمین آن

فرمانده نیروی هوایی باربارا برت^۳، در اطلاعیه‌ای رسمی به تاریخ دسامبر ۲۰۱۹، میزان بودجه درخواستی برای نیروی نظامی در فضا را برای سال مالی ۲۰۲۰، مبلغ ۹/۳ میلیارد دلار اعلام کرده بود. ترامپ در بودجه پیشنهادی خود برای سال ۲۰۲۱، مبلغ ۱۵/۴ میلیارد دلار را برای این نیروی تازه تأسیس تقاضا کرد. بارها رهبران صنایع نظامی اعلام کرده‌اند که این صنایع برای انجام پروژه‌هایشان نیاز به بودجه‌هایی دارند که در تاریخ جهان بی‌سابقه است. صنایع نظامی هوا و فضا برای تأمین این بودجه، مشارکت نزدیک با بخش خصوصی و حذف بودجه‌های خدمات عمومی دولت از قبیل تأمین اجتماعی، بیمه‌های دولتی و دیگر برنامه‌های کمک به مردم کم‌درآمد، را پیشنهاد می‌کنند. این مبالغ رسمی بودجه سوای مبالغی است که به صورت سری توسط وزارتخانه برای این گونه‌ها پروژه‌ها تخصیص می‌یابد. بودجه‌ای که حتی کنگره هم از میزانش بی‌اطلاع است. هیتلر همیشه برای مطالعات روی راکت‌های هسته‌ای بودجه‌ای مخفی داشت. امریکائی‌ها هم این روش را بعد از پایان جنگ جهانی در پیش گرفتند.

سابقه تاریخی تلاش‌های ایالات متحده در نظامی‌سازی فضا

طرح‌های ارتش و دولت آمریکا در نظامی‌سازی فضا، بعد از جنگ دوم جهانی آغاز شد. ایالات متحده طی عملیات سری به نام گیره کاغذ^۴ هزاروپانصد دانشمند، مهندس و تکنیسین المانی را که در خدمت نازی‌ها به تحقیقات نظامی و علمی مشغول بودند، به‌طور قاجاق به آمریکا آورده و با کمک آنان مجتمع نظامی - صنعتی عظیمی را بر پا داشتند. این گروه شامل دانشمندان راکتی، روان‌پزشکانی که بر روی اسیران جنگی چون یهودی‌ها، کولی‌ها، کمونیست‌ها و دیگران آزمایشات کنترل روانی انجام می‌دادند و متخصصانی که در رشته پزشکی نظامی عکس‌العمل بدن انسان در مقابل درجه حرارت بسیار پائین را بررسی می‌کردند، می‌شد. صد نفر از این جمع متعلق به تیم تحقیقات راکتی نازی‌ها بودند. سرپرست این گروه وزیر فون براون، عضو سابق اس‌اس، دانشمندی بود که

بر روی پروژه راکتی وی-۲^۵ در آلمان نازی کار می‌کرد. او و همکارانش با ایجاد تغییراتی بر روی طرح‌های اولیه، توانستند اولین راکت با کلاهک اتمی ایالات متحده را به نام رد استون^۶ تولید نمایند.

وی-۲ همان راکتی است که در اواخر جنگ دوم جهانی در لندن، پاریس و بروکسل وحشت آفریده بود. نازی‌ها در زیر کوه‌های هارتس^۷ تونل عظیم زیرزمینی به نام دورا^۸ ساخته بودند که در داخل آن ۲۵۰۰۰ اسیر جنگی برده‌وار به ساخت این راکت‌ها مشغول بودند. وقتی که نازی‌ها متوجه خرابکاری بعضی از این اسراء شدند، بلافاصله صد نفر از آنها را برای عبرت سایران اعدام کردند.

مهره مهم دیگر میان این جماعت، سرلشکر ارتش آلمان، جنرال والتر دورن برگر^۹ بود که نماینده هیتلر در ارتباط با فون براون و تیم تحقیقات راکتی بود. او در آمریکا به استخدام شرکت هوا فضای پل^{۱۰} در نیویورک در آمده و به مقام معاونت این شرکت رسید. در سال‌های ۱۹۵۰، او هنگام ادای توضیحات برای نمایندگان کنگره چنین اظهار داشت: «عالی‌جنابان، من برای این به آمریکا نیامده‌ام که بعد از شکست در دو جنگ جهانی، در جنگ جهانی سوم نیز شکست بخورم!» دورن برگر طراحی سیستمی از صدها ماهواره اتمی در فضاء را برای ارتش آمریکا انجام داد. قرار بود این ماهواره‌ها در مدارها و زوایای مختلف به دور کره زمین چرخیده و به محض صدور فرمانی از ایستگاه‌های زمینی، دوباره به جو داخل شده و بر روی هدف معینی اصابت کنند.

در سال ۱۹۸۹، طرح سلاح‌های فضائی، در قالب کتابی به نام «چشم‌انداز نیروی نظامی در فضاء در پنجاه سال آینده»، توسط اعضای هردو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در سنا و کنگره به تصویب رسید.

چه کسانی از برنامه‌های فضائی سود می‌برند؟

سواى منافع ستراتیژیک که توسعه نظامی در فضاء برای ایالات متحده در بر دارد، جنبه اقتصادی این توسعه کمک بزرگی است در تعویق بحران سقوط نرخ سود در نظام سرمایه‌داری آمریکا. وجود بخش خصوصی قدرتمندی مانند شرکت‌های ری‌تیان^{۱۱}، نورترپ - گرومن^{۱۲}، بوئینگ و لاکهید مارتین بیشترین قراردادهای دولتی را از این نیروی تازه تأسیس به دست خواهند آورد. شاید اتفاقی نبود زمانی که ترمپ تأسیس این نیرو را اعلام کرد، مارک اسپر، لابی‌گر پیشین شرکت ری‌تیان، در مقام وزیر دفاع بود.

اصولاً همه برنامه‌ها و پروژه‌های به ظاهر علمی، بشردوستانه و صرفاً اکتشافی سازمان تحقیقات فضائی آمریکا «ناسا» همیشه دارای بخشی کاملاً نظامی و سری بوده است. ایستگاه فضائی، پروژه مشترک میان آمریکا و کشورهای دیگر، که برای مالیات‌دهندگان آمریکائی صد میلیارد دالر تمام شد، همیشه یک بخش فوق‌العاده محرمانه داشته که تنها در دسترس فضانوردان آمریکائی مقیم این ایستگاه بوده و فضانوردان کشورهای دیگر به آن دسترسی نداشته‌اند. همه تحقیقات و مطالعاتی که در این ایستگاه انجام می‌گیرند همیشه کاربرد دوگانه - نظامی و غیرنظامی - دارند.

به‌طور مثال چند سال قبل در پروژه‌ای به نام کلیمنتاین^{۱۳}، که با همکاری مشترک بین سازمان دفاع راکت‌های بالستیک و ناسا انجام شد، راکتی به دور ماه چرخیده و پرتابه‌هایی را به سوی سطح کره ماه شلیک کرد. ظاهراً هدف پروژه، جست و جو برای نشانه‌ای از وجود آب در کره ماه بود، اما هم زمان توانائی شلیک پرتابه‌های راکتی خارج از جو ماه به سطح سیاره نیز آزمایش شد. مشابه راکتی که ضمن گردش به دور زمین، توانائی شلیک پرتابه‌ها به اهداف زمینی را داشته باشد.

در سال‌های اخیر حضور بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری‌های فردی در این زمینه بسیار چشمگیر شده است. وجود معادن فلزات قیمتی چون طلا، تیتانیوم و فلزات نادر خاکی دیگر در سیاره‌ها و خرده سیاره‌ها، چشم طمع بسیاری را به فضاء دوخته است.

در حالی که مریخ‌نورد «استقامت» روی سطح سیاره سرخ به دنبال نشانی از آب و حیات می‌گردد، با نقشه‌برداری از سطح مریخ هزاران نمونه از خاک آن را برای تجزیهٔ کیمیائی و امکان وجود معادن مختلف به زمین ارسال می‌نماید. شرکت هالیبرتون مکانیسم استخراجی را اختراع کرده که با استفاده از نیروی هسته‌ای و روبات‌ها در مریخ فلزات قیمتی استخراج نماید. ایلان ماسک در یکی از پروژه‌های جاه‌طلبانه‌ای که دارد در صدد است تا با انفجار هزاران بمب اتمی در مریخ، جو این سیاره را برای حضور ایستگاه‌های انسانی مناسب‌تر سازد. بی‌دلیل نیست که از هم اکنون در سایت شرکت فضائی ماسک، تی شرت‌های تبلیغاتی اسپیس – ایکس^{۱۴} با شعارهای «پیش به سوی اشغال مریخ» و یا «حملة اتمی به مریخ»^{۱۵} به فروش می‌رسد.

ایلان ماسک رابطه بسیار نزدیکی با نیروی نظامی فضائی دارد. از جمله او برای استقرار قمرهای مصنوعی این نیرو در مدارهایشان قراردادی منعقد کرده است. با تکنولوژی کنونی زمان سفر به مریخ حدود یک سال است، طرحی برای کوتاه کردن زمان این سفر، از طریق استفاده از راکت‌هایی با سوخت اتمی در دست اجراست، و چه جای تعجب که تأمین‌کننده راکتورهای اتمی لازم برای این راکت‌ها، وزارت انرژی ایالات متحده خواهد بود. این‌ها همگی برای صنایع اتمی فرصت‌هایی طلایی‌اند، و به همین منظور آنها با جان و دل از توسعه این پروژه‌های فضائی حمایت می‌کنند. طی یک قرارداد بین‌المللی که میان کشورهای ایالات متحده، اتحاد شوروی و انگلستان در ۱۹۶۷ به امضاء رسید. استفاده و یا استقرار هرگونه سلاح اتمی در فضای خارج از زمین ممنوع بوده و هیچ کشوری حق ادعای مالکیت بر هیچ نقطه و یا منبعی در فضاء را نمی‌تواند داشته باشد. این قانون توسط اوپاما نقض شد. دولت امریکا در سال ۲۰۱۵، قانون استفاده تجاری از منابع فضائی را تصویب کرد. با این قانون در حقیقت راه یورش برای تب طلایی جدید به کره ماه و یا سیارک‌های دیگر هموار شد.

مخالفت بین‌المللی با نظامی کردن فضاء

از چند دهه قبل، روسیه و چین به همراه کانادا بارها کوشش کرده‌اند که قرارداد سال ۱۹۶۷ را توسعه بخشند. مطابق این قرارداد استفاده از هرگونه سلاح در خارج از جو ممنوع شد. اما همه ساله طرح گسترش این قرارداد در ملل متحد، علی‌رغم پشتیبانی قریب به اتفاق کشورها، با مخالفت دو کشور امریکا و اسرائیل و وتوی ایالات متحده روبه رو می‌شود.

با توجه به اظهارات منابع قانونی ارتش امریکا، سلاح‌های جدید این کشور مشمول این قانون نمی‌شوند، زیرا که قرارداد مذکور تنها شامل سلاح‌های هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی می‌شود. در صورتی که سلاح‌های جدید، سلاح‌های کشتار «گزینشی» می‌باشند. فارغ از این که رئیس‌جمهور امریکا دموکرات یا جمهوری‌خواه باشد، استدلال برای این مخالفت یکسان است: «این سلاح‌ها در فضاء وجود نداشته و بنابراین نیازی به طرح ممنوعیت آنها نیست».

روسیه و چین بارها اعلام کرده‌اند که هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی از سلاح‌های اتمی خود به عنوان «ضربه اول» استفاده نخواهند کرد و تنها آنها را در عکس‌العملی تلافی‌جویانه به کار خواهند برد. اما تا به امروز ایالات متحده از اعلام عدم استفاده سلاح‌های اتمی خود به عنوان «ضربه اول» امتناع کرده است.

در سال ۱۹۷۲، قرارداد ممنوعیت استقرار سیستم دفاع ضد راکتی^۶، میان ایالات متحده و اتحاد شوروی به امضاء رسید، سیستم دفاع ضد راکتی در حقیقت جزء اصلی اقدام برای «ضربه اول» است، تصور بر این است که ایالات متحده ابتداء ضربه اول اتمی خود به چین و یا روسیه را وارد کرده، و بعد سریعاً سپر حفاظتی سیستم دفاع ضد راکتی خود را فعال می‌کند، تا از هرگونه اقدام تلافی جویانه دشمن در استفاده از نیروی اتمی باقیمانده اش، جلوگیری نماید. در سال ۲۰۰۲، ایالات متحده با فرمان جرج دبلیو بوش از این پیمان خارج شد و پس از آن در زمان اوباما سیستم دفاع ضد راکتی برای محاصره چین و روسیه، پیرامون این دو کشور ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. مراکز جدید زمینی در رومانی و پولند ساخته شد که به طور هم زمان نقش اعمال ضربه اول و همین طور ایجاد سپر دفاعی در مقابل حملات تلافی جویانه را به عهده دارند. راکت‌هائی با کلاهک اتمی پس از شلیک از این پایگاه‌ها در عرض ده دقیقه به مسکو خواهند رسید.

استفاده از فضاء برای جاسوسی و جنگ‌های سایبری

امروزه هر اقدام نظامی توسط افراد ارتش امریکا اعم از نیروهای زمینی، هوایی و یا بحری چه در شهر بغداد و یا در کابل توسط ماهواره‌های نظامی، کنترل و هدایت می‌شود. درست قبل از شروع جنگ اول خلیج و تجاوز به عراق در اوایل سال‌های ۱۹۹۰، ماهواره‌های ارتش امریکا تمام اهداف نظامی ارتش صدام را شناسائی کرده بودند. حتی مسیر کابل‌های مخابراتی ارتش مدفون در شن‌های بیابان نیز تعیین شده بود. ۹۵٪ درصد این اهداف در همان چند ساعت اول حمله‌ای که برای هفته‌ها به طول انجامید بمباران شد. همچنین در سال ۲۰۰۳، وقتی که جرج دبلیو بوش تجاوز جدیدی علیه عراق را آغاز کرد، حدود ۷۰٪ سلاح‌های نظامی که علیه عراق به کار رفت توسط ماهواره‌ها کنترل می‌شد.

در عین حال، کنترل توسط ماهواره‌ها نیاز به مراکز رله زمینی در سرتاسر جهان دارد، که با ماهواره‌ها در ارتباط باشند. مثلاً سویدن با آن که عضو ناتو نیست اما به دلیل نزدیکی با روسیه پذیرفته است که یکی از این مراکز زمینی رله اطلاعات در شمال این کشور ایجاد شود. عملیات بین‌المللی جاسوسی، جمع‌آوری اطلاعات و حتی شنود در ابتداء از طریق توافق میان پنج کشور یعنی ایالات متحده، بریتانیا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند که به گروه «پنج چشم» معروف شدند، هماهنگ می‌شد. بعداً با افزوده شدن چهار کشور دنمارک، فرانسه، هالند و ناروی به «نُه چشم» و اخیراً با پیوستن شش کشور آلمان، بلجیم، ایتالیا، سویدن و اسپانیا، اعضاء گروه به «چهارده چشم» افزایش پیدا کرده است.

استفاده دیگر از ماهواره‌های نظامی – جاسوسی، حملات سایبری است. ارتش امریکا برای اولین بار قبل از بمباران یوگسلاوی در جنگی که منجر به پاره پاره شدن این کشور و تقسیم آن به کشورهائی کوچک شد، از طریق حملات سایبری سیستم دفاع هوایی ارتش یوگسلاوی را فلج کرد. بعداً با شروع بمباران‌ها، جت‌های جنگی فرستنده تلویزیون، بیمارستان‌ها و بسیاری از تأسیسات غیرنظامی را در بلغراد بمباران کردند، بدون آن که حتی به یکی از هواپیماهایشان صدمه‌ای بخورد. آنها حتی سفارت چین در بلغراد را به عنوان هشدار هدف قرار دادند، هر چند که بعد ادعا شد که حمله به اشتباه صورت گرفته و عذرخواهی کردند!! پس از این تجربه بود که ارتش ایالات متحده مرکز فرماندهی نیروی هوایی سایبری خود را ایجاد کرد.

هدف جدید ایالات متحده: محاصره روسیه و چین

در زمان مذاکرات گوربچف با دولت ریگان، برای انحلال پیمان وارسا و اتحاد دو آلمان، تنها خواسته گوربچف توقف نیروهای ناتو تا مرزهای آلمان و عدم پیشروی بیشتر آنها به شرق بود، که آن هم با قول «صادقانه» جیمز بیکر برآورده شد. اما بیل کلینتن به قول جیمز بیکر وفادار نماند (رفتار مشابه ترمپ در خروج از برجام کاملاً تصادفی است!!) و از آن زمان به بعد، ناتو قدم به قدم به مرزهای روسیه نزدیک شد. در ده سال گذشته حضور ناتو در سرحدات غربی فدراسیون روسیه از جمله در کشورهای اسکاندیناوی شدیدتر احساس می‌شود. بعد از اتمام هر مانور نظامی در این کشورها، محموله‌های سلاح‌هایی که برای این مانورها به کار رفته، در کشور میهمان باقی‌مانده و بهانه‌ای می‌شود برای احداث مرکزی نظامی در آن کشورها. مطابق سند مطالعاتی اتاق فکر «رند کورپوریشن»، هدف ایالات متحده باید بالکانیزه کردن فدراسیون روسیه و به‌خصوص دستیابی به قطب شمال باشد. زیرا با توجه به تغییرات آب و هوایی، ذخایر غنی قطب شمال آماده برای بهره‌برداری خواهند شد. ولادیمیر پوتین به صراحت اعلام کرده که در صورتی که روسیه مورد حمله اتمی قرار گیرد، دست به اقدام متقابل خواهد زد.

مائوتسه تونگ رهبر انقلاب چین نیز بعد از تهدیدات ایالات متحده در استفاده از سلاح اتمی در مورد تایوان و جنگ کوریا، به صراحت اعلام کرد که چین باید مجهز به سلاح اتمی شود، وگرنه «آنها ما را از میان خواهند برد». اما در عین حال چین همیشه تعهد کرده است که سلاح اتمی را به عنوان «ضربه اول» و یا علیه کشوری بدون سلاح هسته‌ای به کار نخواهد برد. چین کلاهک‌های اتمی را از راکت‌های حمل‌کننده آنها جدا ساخته است، لذا خلاف ایالات متحده که راکت‌های با کلاهک اتمی‌اش همیشه آماده به شلیک است، چین در زمان اعلام حمله، نیاز به زمان بیشتری برای مسلح کردن راکت‌هایش دارد.

ایالات متحده مشابه رفتار خود در مقابل روسیه، به تعهد خود در عدم دخالت در رابطه میان چین و تایوان، پایبند نمانده و هرچه بیشتر تایوان را مسلح می‌کند. دعوت مقامات تایوان به مراسم تحلیف بایدن، جدیدترین نشانه از این عدم پای بندی است.

کارنامه دولت بایدن در همین مدت کوتاه نشان می‌دهد که او هم در صدد ادامه دشمنی و افزایش تهدیدات نظامی علیه چین و روسیه می‌باشد که برنامه نیروی نظامی در فضاء نیز بخشی از این ستراتیژی کلی را تشکیل می‌دهد.

منبع: <http://space.peace.org/www>

یادداشت‌ها

۱. Carl Grossman, Bruce Gagnon

پروفسور گروسمن عضو هیأت مدیره «جهان بدون سلاح هسته‌ای» و بروس گگنون عضو فعال «شبکه جهانی مبارزه با استفاده از سلاح‌های و نیروی اتمی در فضاء» می‌باشد.

۲. ”Deutschland Uber Alles“, ”Master of Space“ ۳. Barrette ۴. Paper Clip.

۵. 2-V-6 Red Stone ۷. Harts ۸. Dora ۹. Walter Dorn Berger.

۱۰. Northrop Grumman ۱۱. Raytheon ۱۲. Bell Aero-Space Co.

۱۳. Clementine ۱۴. SpaceX.com ۱۵. Occupy Mars and Nuke Mars.

۱۶. Anti- Ballistic Missile Treaty.

دانش و امید، شماره ۵، اردیبهشت [ثور] ۱۴۰۰